یادداشت

بازآفرینی سازمان برنامه؛ شرط لازم تحول دولت

ادامه از صفحه اول

بنابراین «سازمان برنامه موجود» عامدانه به سازمان ابلاغ و تخصیص بودجه و مبادله موافقت‌نامه در چارچوبی سنتی و منسوخ تقلیل داده شده تا فرایند قبض و بسط قدرت در نظام اداری کشور برای پیشبرد بهتر امور چه میان دستگاه‌های ملی و چه در سطح ملی یا استانی با سرعت و کارایی بیشتری صورت پذیرد.

با روی کار آمدن دولت چهاردهم و نگاه ویژه و متمایز مسعود پزشکیان به جایگاه و اهمیت سازمان برنامه در دولت به عنوان «بازیگردان اصلی هیئت وزیران»، دوره‌ای جدید از حیات سازمان برنامه در حال آغازشدن است. دوره‌ای که طی آن دولت به نظر می‌رسد درصدد طراحی و اجرای یک مسیر گذار از «سازمان برنامه موجود» به «سازمان برنامه مقدور» در گام اول و فراهم‌سازی بسترها و تمهیدات تحقق گام دوم در نیل به «سازمان برنامه مطلوب» در سال‌های بعدی باشد؛ سازمانی که بتواند به معنای واقعی کلمه دستگاه راهبر توسعه ملی ایده‌پرداز، برخوردار از بینش راهبردی، همه‌سونگر، مسئله‌گشا و بن‌بست‌شکن بوده و فرماندهی توسعه در کشور را از طریق کاربست سیاست‌گذاری‌های بین‌بخشی- بین‌منطقه‌ای، هم‌افزایی کلیه بازیگران و کنشگران دولتی و غیردولتی و مدیریت تعارضات میان آنها برعهده بگیرد.

این موضوع از آنجا نشئت گرفته که امروز قاطبه مقامات و صاحب‌نظران کشور بر این نکته متفق‌القول هستند که تحول در کیفیت حکمرانی و اصلاح ریشه‌ای ساختارها و رویه‌های ضدتوسعه، تنها و تنها از طریق بازآفرینی سازمان برنامه در نظم موجود دولت‌محور توسعه در کشور صورت خواهد گرفت: تحولی که می‌تواند نقطه آغاز درستی برای تحول نهاد دولت و توانمندی آن برای حل برخی نارسایی‌های جدی از جمله فربگی دولت، کسری بودجه، تولیدگریزی، رانت‌جویی و... باشد. از جمله پیش‌نیازهای مؤثر بر فهم اجتناب‌ناپذیر بودن ضرورت این تحول دو مرحله‌ای را می‌توان در فهم اینکه دولت در ایران در انتهای عصر وابستگی به فروش و کسب درآمدهای ارزی ناشی از منابع طبیعی (نفت، گاز و معادن) و پول‌پاشی مصرفانه و سرخوشانه تبعی آن قرار داشته و اقتضائات جدید و عمدتا برون‌زای تحمیل‌شده بر فضای حکمرانی توسعه (یا ناشی از تحریم‌ها یا ناشی از تغییر قواعد بازی منتج از تحولات سریع فناوری) دیگر مجالی برای باقی‌ماندن در توهم تحقق رشد اقتصادی هشت درصدی نفت‌محور (بدون سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی به فناوری‌های جدید) و تداوم نظام معیوب یارانه‌ها باقی نگذاشته و سیلی واقعیات جاماندگی کشور در مقایسه با رقبای منطقه‌ای (امارات، عربستان، ترکیه و...) و تشدید مستمر ناترازی‌ها و ورشکستگی‌ها ما را از خواب غفلت بیدار کرده است.

از همین رو هم‌اکنون سازمان برنامه در موقعیت گام اول برای گذار از «سازمان برنامه موجود» به «سازمان برنامه مقدور» قرار دارد تا با کسب آمادگی‌های لازم و انجام تدریجی اصلاحات ضرور فرایند گذار نهایی و اصلی به «سازمان برنامه مطلوب» - که شرح آن در یادداشت دیگری خواهد آمد - در سال‌های آتی مهندسی شود. بنابراین برخی از تغییرات بنیادین در سازمان برنامه طی چند ماه اخیر شکل گرفته است. یکی از سرفصل‌های اصلی تحول، فراخوانی امر سیاست‌گذاری توسعه به عنوان یکی از مأموریت‌های فراموش‌شده و کمتر موردتوجه سازمان برنامه در هماهنگ‌سازی و رفع تعارضات و ناسازگاری‌های اهداف و اقدامات بین‌بخشی- بین‌منطقه‌ای است. انجام مطالعات مستمر و به‌روز آینده‌پژوهی و سناریونگاری توسعه با دیده‌بانی تحولات نظم جهانی به منظور بازآرایی و جانمایی ایران در محیط اقتصاد بین‌الملل از دیگر سرفصل‌های جدید و جدی موردتوجه سازمان برنامه است که به طور تخصصی در حال انجام است.

بازمعماری نظام مالی دولت و اصلاح ساختار بودجه‌ریزی در کشور بر مبنای نظام استاندارد بین‌المللی GFS (سه سطح امور، فصل و حوزه یا کلاس) با هدف جمع‌پذیری، استانداردسازی و مقایسه‌پذیری بین‌المللی نظام بودجه‌ریزی در قالب طبقه‌بندی وظایف دولت در سطح کلان (cofog)، تطبیق برنامه و بودجه و برنامه‌محور کردن بودجه بر اساس بند پ ماده ۱۳ قانون برنامه هفتم و نیز ورود به حوزه ساماندهی برنامه و بودجه شرکت‌های دولتی و بازنگری در نقش‌ها و مأموریت‌های ملی آنها از دیگر محورهای تحولی مرتبط با حوزه بودجه است. فراهم‌سازی بستری برای گفت‌وگو و تعامل دوسویه با بخش خصوصی و حل موانع فراروی مشارکت بیشتر آنها در تولید و ایفای نقش مؤثر در فرایند توسعه ملی نیز از دیگر محورهای تحولی موردتوجه است. اصلاح ساختار و ساماندهی شوراها و مجامع تصمیم‌گیری در دولت با هدف کاهش بوروکراسی تصمیم‌گیری در کنار ایجاد هم‌پیوندی میان الزامات توسعه نظام زیرساخت‌ها و تسهیل نظام کسب‌وکارها نیز از جمله دیگر راهبردهای تحولی است که سازمان برنامه برای اولین بار بدان ورود کرده است. همچنین مقوله تمرکز بر پیشران‌های نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه و اهرم قراردادن منابع دولتی برای انتخاب و اجرای پیشران‌های مسئله‌گشا و بن‌بست‌شکن در کنار ضرورت راهبری و مانع‌زدایی از اتصال زنجیره‌های ارزش تولید و تجارت داخلی به شبکه زنجیره ارزش منطقه و جهان از دیگر موضوعات تحولی است که در پی ریل‌گذاری انقلاب اقتصادی و برون‌گراکردن اقتصاد درون‌گرای کشور است.

با این وجود همین گام اول گذار از سازمان برنامه موجود به سازمان برنامه مقدور هم با چالش‌ها و موانع جدی روبه‌روست: یکی از جدی‌ترین آنها چسبندگی به مسیر و مقاومت‌های فراوان درون و برون سازمان برنامه برای پذیرش تغییر است. چالش مهم دیگر به عدم جذب و خروج تدریجی نخبگان اداری و ایده‌پردازان از سازمان برنامه به سایر دستگاه‌ها یا بخش خصوصی طی دو دهه اخیر است که دلیل اصلی آن هم نظام جبران خدمات نامتناسب با توانمندی‌ها و قابلیت‌های کارکنان آن در چنبره قانون مدیریت خدمات کشوری است. موضوعی که راه‌حل‌یابی برای آن بی‌شک از جمله پیش‌نیازهای اولیه جاری‌سازی تحول در سازمان برنامه و افزایش کارآمدی و اثربخشی کارکنان آن در قالب گام اول است.

فعالیت سیاستی استادان دانشگاه

ادامه از صفحه اول

امروزه مقالات علمی-پژوهشی بُرد اندکی دارد. مطالعات نشان می‌دهد میانگین خوانده‌شدن یک مقاله علمی-پژوهشی ۱۰ تا ۵۰ نفر است. از این میان، به ندرت مقالاتی پیدا می‌شوند که اثری جهانی داشته باشند؛ شاید چند مقاله در یک قرن. این البته از ارزش کار علمی نمی‌کاهد و قطعا برای ساخت بنای علم و تمدن بشری مفید است، اما نباید از عمومی‌سازی علم نیز غفلت کرد. امروزه این مهم مبتنی بر نظریه‌ها و روش‌های گوناگونی است؛ نظریه‌هایی همچون نظریه بافتاری، ارتباطاتی، مشارکتی، انتشار و روش‌شناسی‌هایی مانند تجزیه و تحلیل سیاستی، برنامه‌ریزی عمومی و... .

یک استاد دانشگاه که مقالاتی ارزشمند (اما اندک خوانده‌شده) منتشر می‌کند، دیگر در جایگاهی نیست که از وضعیت فرهنگی کشورش انتقاد کند؛ او خود نیز مقصر است؛ چراکه در غیاب اوست که خرافات‌نویسان و شبه‌علم‌پرستان روزانه مغز عوام و خواص را آماج تیرهای گمراهی کرده‌اند. او نیز باید از ابزارهای خود برای ترویج و به‌کارگیری دانش بهره‌برداری کند. جامعه امروز نیازمند فعالیت سیاستی استادان دانشگاه است.

سایه سنگین ایران بر سرنوشت مایک والتز

وفاداران جایگزین سنت‌گرایان

شرق: تصمیم پرسروصدای دونالد ترامپ برای کنارگذاشتن مایکل والتز، مشاور امنیت ملی خود، ریشه در تفاوت دیدگاه‌های عمیق‌تری نسبت به آنچه در ابتدا به نظر می‌رسید، دارد. هرچند افشای ناخواسته حضور یک روزنامه‌نگار در یک گروه چت حساس در ماه مارس، تیر خلاص را به موقعیت والتز زد، اما به گفته مقامات ارشد و مشاوران ترامپ، اختلافات او با دیگر مقامات بلندپایه کاخ سفید، به‌ویژه بر سر گزینه اقدام نظامی علیه ایران، از همان ابتدای دولت آغاز شده بود. والتز، افسر سابق کلاه‌سبزها، به‌مراتب بیشتر از رئیس خود در دفتر بیضی‌شکل مشتاق استفاده از نیروی نظامی بود و همین اشتیاق فزاینده، رفته‌رفته کاسه صبر ترامپ را لبریز کرد.

سایه سنگین ایران بر سرنوشت والتز

ماجرای اختلاف بر سر ایران، یکی از نقاط عطف در تیرگی روابط والتز و ترامپ بود. به نوشته واشنگتن‌پست و به گفته دو منبع آگاه، پس از دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، با ترامپ در اوایل فوریه، والتز آشکارا با دیدگاه رهبر اسرائیل مبنی بر مناسب‌بودن زمان برای حمله به ایران هم‌نوا شده بود. به نظر می‌رسد والتز پیش از این دیدار، هماهنگی‌های فشرده‌ای با نتانیاهو درباره گزینه‌های نظامی علیه ایران انجام داده بود. یکی از این منابع می‌گوید: «والتز می‌خواست سیاست ایالات متحده را به سمتی سوق دهد که ترامپ با آن راحت نبود؛ زیرا آمریکا هنوز راه‌حل دیپلماتیک را امتحان نکرده بود». این موضوع به گوش ترامپ رسید و رئیس‌جمهور از این اقدام مشاورش دلخور شد. به گفته یک مشاور ترامپ، این دیدگاه در دولت وجود داشت که والتز در تلاش است تا کفه ترازو را به نفع اقدام نظامی سنگین کند و در این مسیر، کاملا با اسرائیلی‌ها هماهنگ عمل می‌کند. این مشاور با کنایه افزود: «اگر جیم بیکر (وزیر خارجه دوران بوش پدر) با سعودی‌ها برای دورزدن جورج اچ دبلیو بوش معامله پنهانی می‌کرد، اخراج می‌شد. شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید. شما برای رئیس‌جمهور کشور خودتان کار می‌کنید، نه مقام ارشد یک کشور دیگر». این برکناری، برخی مقامات ارشد کاخ سفید را به این پرسش واداشته که آیا اساسا نیازی به ساختار سنتی شورای امنیت ملی وجود دارد یا خیر؟ آنها ترجیح می‌دهند مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، که از سوی ترامپ به عنوان جانشین موقت والتز معرفی شده، برای مدتی طولانی در نقش سرپرست باقی بماند. این تصمیم احتمالا به تضعیف نهادی منجر خواهد شد که نقشی قدرتمند در شکل‌دهی به سیاست خارجی دولت‌های مدرن آمریکا داشته است. همچنین این تغییر، یک چهره کلیدی در کاخ سفید با سابقه طولانی در حمایت از مداخله نظامی را به حاشیه می‌راند. البته ترامپ، والتز را برای سمت سفیر ایالات متحده در سازمان ملل نامزد کرده است؛ بنابراین او همچنان در دولت باقی خواهد ماند.

معیار جدید ترامپ

مشکلات والتز به تدریج افزایش یافت و به گفته یک مقام ارشد کاخ سفید، یک مشاور ترامپ و یک فرد مطلع دیگر، سوزی وایلز، رئیس دفتر کاخ سفید، به طور فزاینده‌ای احساس می‌کرد که والتز گزینه مناسبی برای رئیس‌جمهور نیست. این تغییر بیانگر کاهش دیدگاه‌های رقیب برای رئیس‌جمهوری است که مشتاقانه به دنبال تثبیت جایگاه خود در داخل و خارج از کشور است. ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود چاره‌ای جز استفاده از جمهوری‌خواهان سنتی برای تکمیل کادر کاخ سفید نداشت؛ اما اکنون به لطف تغییر نسل گسترده‌تر در حزب جمهوری‌خواه، گروه جوان‌تری روی کار آمده‌اند که جز ترامپ، پرچم‌دار دیگری را نمی‌شناسند. خودِ رئیس‌جمهور نیز بیش از پیش بر یافتن افراد وفادار به خود که برنامه‌هایش را اجرا کنند، متمرکز شده است.

مارکو روبیو، جانشین موقت والتز، اگرچه از همان جناح سنت‌گرای حزب جمهوری‌خواه می‌آید که والتز به آن تعلق داشت، اما به گفته مقامات، او به‌راحتی دیدگاه‌های قدیمی خود را کنار گذاشته و به سخنگوی قدرتمند ترامپ تبدیل شده است. این شامل سیاست در قبال روسیه و اوکراین نیز می‌شود؛ جایی که وزیر امور خارجه هر دو طرف را تهدید کرده است که واشنگتن می‌تواند از مذاکرات صلح خارج شود. اقدامی که پیامدهای آن ظاهرا برای کی‌یف وخیم‌تر خواهد بود.

تلاش‌های نافرجام برای نجات والتز

برکناری والتز در حالی انجام شد که به گفته دو مقام ارشد کاخ سفید، برخی دیگر از اعضای برجسته دولت، از جمله جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، تلاش کردند تا به او کمک کنند. ونس در ماه مارس والتز را در سفر به گرینلند (که ترامپ گفته خواهان تصاحب آن است) همراهی کرد. یکی از مقامات گفت که این تصمیم تا حدی برای تقویت جایگاه مشاور امنیت ملیِ تحت فشار، چند روز پس از انتشار گزارش نشریه آتلانتیکِ مبنی بر افزودن تصادفی سردبیر این مجله به یک چت برنامه‌ریزی برای هماهنگی اقدام نظامی در یمن، اتخاذ شده بود. این مقام افزود که معاون رئیس‌جمهور -که در مسائل سیاست خارجی بسیار بیشتر از والتز به اقدام نظامی بدبین است- همچنین تلاش کرد تا مشاور امنیت ملی را به سایر محافظه‌کارانی که در اردوگاه ونس قرار داشتند، معرفی کند.

گاف دیجیتال یا عدم تطابق؟

بااین‌حال، در نهایت وایلز و سایر اعضای ارشد دفتر کاخ سفید به این نتیجه رسیدند که والتز گزینه مناسبی برای کار در بال غربی -و به طور خاص برای همکاری با ترامپ- نیست. حتی پیش از ماجرای «سیگنال‌گیت»، جایگاه مشاور امنیت ملی متزلزل بود و برخی مقامات کاخ سفید هشدار داده بودند که او ممکن است یکی از اولین مشاوران ارشدی باشد که کنار گذاشته می‌شود. به گفته مقامات، نحوه مدیریت او در بحث‌های حساس از طریق پیام‌رسان سیگنال -که استفاده از آن برای مکالمات طبقه‌بندی‌شده در داخل دولت تأیید نشده- ممکن است عامل نهایی بوده باشد؛ هرچند او بیش از یک ماه پس از علنی‌شدن این موضوع در سمت خود باقی ماند. آنا کلی، سخنگوی کاخ سفید، روز پنجشنبه در دفاع کلی از استفاده والتز از این اپلیکیشن گفت: «سیگنال یک برنامه تأییدشده برای استفاده دولتی است و روی تلفن‌های دولتی نصب شده است».

در حوزه سیاست خارجی و به طور گسترده‌تر در دوران ریاست‌جمهوری‌اش، ترامپ معتقدان واقعی به شعار «اول آمریکا» (MAGA) را برای نقش‌هایی استخدام کرده است که در دوره اول به سنت‌گرایان سپرده بود. اقدامات این هفته، گام دیگری در همین راستا بود؛ نه‌تنها یک مشاور با دیدگاه‌های متمایل به سنت‌گرایان به حاشیه رانده شد، بلکه با سپردن نظارت موقت به روبیو، نفوذ شورای امنیت ملی نیز کاهش یافت.

انتخاب والتز برای این سمت از همان ابتدا غافلگیرکننده بود. اگرچه او به رئیس‌جمهور وفادار بود، اما ترجیحات سیاست خارجی‌اش به سمت تندروی گرایش داشت. در قبال روسیه، او طرفدار رویکردی سرسختانه در برابر ولادیمیر پوتین بود. در مقابل، ترامپ رویکردهای بسیار آشتی‌جویانه‌تری را در قبال مسکو و تهران دنبال کرده و در هر دو مورد، استیو ویتکاف، دوست نزدیک خود را به عنوان فرستاده‌اش برای دستیابی به توافق اعزام کرده است.

کارشناسان معتقدند مسئولیت دوگانه روبیو، فرصت چندانی برای او برای تقویت نهادی باقی نخواهد گذاشت که در شرایط عادی مملو از کارشناسان حرفه‌ای از سراسر دولت است که وظیفه تدوین استراتژی را برعهده دارند. مشاوران امنیت ملی سنتی اطمینان حاصل می‌کنند که دستگاه پیچیده سیاست‌گذاری خارجی کشور در یک جهت حرکت می‌کند؛ اما اکنون انتظار می‌رود آنها بر خواسته‌های ترامپ تمرکز کنند.

یک مقام ارشد کاخ سفید گفت که رئیس‌جمهور روز پنجشنبه با رجوع به مورد اعتمادترین مشاور خود، یعنی خودش، تصمیم نهایی را درباره انتقال والتز گرفت. این مقام گفت: «مطمئنا افراد نظرات خود را می‌دهند، اما در تصمیماتی مانند این، حرف آخر را خود او می‌زند». او اهمیت اختلافات سیاسی در تصمیم انتقال والتز به سازمان ملل را کم‌اهمیت جلوه داد و گفت: «من مایک را مدتی است می‌شناسم و در نهایت، او آنچه را که رئیس‌جمهور می‌خواهد انجام دهد، به‌ویژه در سیاست خارجی، اجرا می‌کند. او سرخود عمل نمی‌کند».

سایه ترامپ بر انتخابات استرالیا

آلبانیزی پیروز شد

شرق: درحالی‌که اقدامات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بازارهای جهانی را متلاطم و امور بین‌الملل را دگرگون کرده است، آنتونی آلبانیزی، نخست‌وزیر استرالیا، روز شنبه توانست بار دیگر در انتخابات استرالیا پیروز شود و قدرت را حفظ کند. او تازه‌ترین رهبر چپ‌گرایی است که در چنین شرایطی، یک بازگشت پیروزمندانه را به نام خود ثبت می‌کند.

براساس آخرین آمار اعلام‌شده از سوی شرکت پخش استرالیا (ABC)، حزب کارگر به رهبری آلبانیزی موفق به کسب دست‌کم ۷۷ کرسی در مجلس نمایندگان این کشور شده است؛ مجلسی که دولت در آن شکل می‌گیرد. این پیروزی به معنای شکست ائتلاف محافظه‌کار شامل احزاب لیبرال و ملی‌گراست که پیش‌بینی می‌شود حداقل ۳۳ کرسی به دست آورده باشند. بااین‌حال، شمارش آرا همچنان ادامه داشت و رقابت در بسیاری از حوزه‌ها آن‌قدر نزدیک بود که احتمال می‌رفت حزب آلبانیزی نتواند به اکثریت مطلق در پارلمان ۱۵۰عضوی دست یابد. در این صورت، حزب کارگر برای تشکیل دولت نیازمند همکاری با احزاب کوچک‌تر و نمایندگان مستقل خواهد بود.

این انتخابات، جدیدترین تصویر از واکنش رأی‌دهندگان به نظم در حال تغییر جهانی است؛ نظمی که تحت تأثیر سیاست‌های ترامپ، از جمله اعمال تعرفه بر کشورها، چرخش به سمت روسیه و استفاده از لفاظی‌های تند علیه متحدان سنتی واشنگتن، شکل گرفته است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد از زمان روی کار آمدن ترامپ، نگاه رأی‌دهندگان در استرالیا، کانادا و بریتانیا به واشنگتن نامطلوب‌تر شده است.

پیش‌تر در هفته گذشته کانادایی‌ها برای چهارمین دوره متوالی به حزب لیبرالِ چپ‌گرا رأی دادند؛ هرچند این حزب در ابتدای سال در نظرسنجی‌ها وضعیت خوبی نداشت. کانادایی‌ها از رویکرد قاطع مارک کارنی، نخست‌وزیر و رئیس سابق بانک مرکزی، استقبال کردند و در مقابل از نامزد محافظه‌کار، پیر پالیور که بیش از حد شبیه به ترامپ تلقی می‌شد، فاصله گرفتند.

پویایی مشابهی در استرالیا نیز مشاهده شد. آلبانیزی در ابتدای سال در نظرسنجی‌ها عقب بود -هرچند با اختلافی کمتر از لیبرال‌های کانادا- اما با نزدیک‌شدن به روز انتخابات، ورق برگشت و نظرسنجی‌ها پیشتازی آلبانیزی را نشان دادند. بخش عمده‌ای از کارزارهای انتخاباتی بر بهترین راهکارها برای مقابله با هزینه‌های بالای زندگی، تورم و مسکن مقرون‌به‌صرفه متمرکز بود. بااین‌حال، آلبانیزی و رقیب اصلی محافظه‌کارش، پیتر داتون، بارها بر سر اینکه کدام‌یک بهتر می‌تواند با ترامپ مذاکره کند، با یکدیگر جدال کردند. آلبانیزی دولت خود را تیمی باثبات توصیف می‌کرد که در صورت لزوم، قاطعانه عمل می‌کند ولی واکنش‌های افراطی نشان نمی‌دهد. در مقابل، داتون استدلال می‌کرد که حزب او در دور قبلی حضورش در قدرت، موفق به گرفتن معافیت تعرفه‌ای از ترامپ شده و آلبانیزی در این زمینه به اندازه کافی تلاش نکرده است. زاره قازاریان، رئیس بخش علوم سیاسی دانشگاه موناش، کمی پیش از رأی‌گیری روز شنبه گفت: «معمولا سیاست خارجی در انتخابات استرالیا به این اندازه برجسته نبوده است». او افزود در این دوران بی‌ثباتی اقتصادی، «صحبت از حفظ وضع موجود، طنین‌انداز شده است». پیتر داتون، افسر سابق پلیس و وزیر دفاع پیشین، در طول کارزار انتخاباتی خود میان اتخاذ سیاست‌هایی با رنگ و بوی ترامپی و فاصله‌گرفتن از لفاظی‌های به سبک ترامپ، در نوسان بود. او از پیشنهادهایی مانند پایان‌دادن به دورکاری و کاهش شدید نیروی کار دولتی (دو طرحی که ترامپ در آمریکا از آنها حمایت کرده) عقب‌نشینی کرد یا توضیحاتی برای تعدیل آنها ارائه داد. اما در اواخر کمپین، به مسائل مرتبط با جنگ فرهنگی متمایل شد و اعلام کرد با گنجاندن آیین‌های قدردانی از سرزمین‌های بومیان در مراسم سالانه بزرگداشت کشته‌شدگان جنگی استرالیا مخالف است. او همچنین از برنامه‌هایی برای افزایش بیشتر هزینه‌های نظامی استرالیا رونمایی کرد و خود را با خواسته ترامپ مبنی بر اینکه متحدان آمریکا باید هزینه بیشتری برای ارتش خود بپردازند، همسو نشان داد.

اما به نظر می‌رسد این استراتژی در کشوری که ترامپ محبوبیت بسیار کمی دارد، نتیجه معکوس داد. شبکه ABC پیش‌بینی کرد که داتون کرسی خود را به نامزد حزب کارگر واگذار خواهد کرد. کوس ساماراس، مدیر گروه ردبریج (یک شرکت نظرسنجی و تحقیقات بازار دوحزبی) که پیش از این در کمپین‌های حزب کارگر فعالیت داشته است، گفت: «آن اعلام سیاست‌های اولیه، کار را برای حزب کارگر آسان‌تر کرد تا رأی‌دهندگان را متقاعد کنند که داتون در تلاش برای تقلید از دونالد ترامپ است».

گزارش

نشست سران خلیج فارس با ترامپ در ریاض

شرق: در اقدامی که نشان‌دهنده اهمیت روزافزون همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری میان ایالات متحده و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای دولت جدید آمریکاست، دونالد ترامپ قصد دارد در اولین سفر خارجی رسمی خود در اواسط ماه مِی، به عربستان سعودی سفر کرده و نشستی با سران این کشورها برگزار کند. این خبر را یک مقام آمریکایی و دو مقام عرب به پایگاه خبری آکسیوس اعلام کرده‌اند.

این نشست فرصتی برای ترامپ خواهد بود تا دیدگاه خود را درباره نقش ایالات متحده در خاورمیانه ارائه دهد و اهداف سیاستی خود را در منطقه تشریح کند. به گفته منابع آگاه، محمد بن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در حال برنامه‌ریزی برای دعوت از سران تمام کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان و قطر) به این نشست است.

انتظار می‌رود ترامپ در تاریخ ۱۳ مِی وارد عربستان سعودی شود و دیدارهای دوجانبه‌ای را برگزار کند. نشست سران نیز برای صبح روز ۱۴ مِی برنامه‌ریزی شده است. یک مقام عرب گفته است که در حال حاضر برنامه‌ای برای دعوت از رهبران سایر کشورهای عربی به این نشست وجود ندارد، اما این وضعیت ممکن است تغییر کند. ترامپ پس از این نشست، برای دیدار با شیخ تمیم آل ثانی، امیر قطر، به دوحه سفر خواهد کرد و در تاریخ ۱۵ مِی نیز به ابوظبی خواهد رفت تا با محمد بن‌زاید، رئیس امارات متحده عربی، دیدار و گفت‌وگو کند. کاخ سفید اعلام کرده است که جزئیات رسمی این سفر به‌زودی اعلام خواهد شد. سفارت عربستان در واشنگتن از اظهارنظر در این باره خودداری کرده است.

مقامات آمریکایی و عرب می‌گویند سفر ترامپ به این سه کشور حاشیه خلیج فارس بر مسائل دوجانبه، به‌ویژه سرمایه‌گذاری، فروش تسلیحات و همکاری در زمینه هوش مصنوعی متمرکز خواهد بود. در همین راستا، وزارت امور خارجه آمریکا روز جمعه اعلام کرد که فروش احتمالی موشک‌های هوا به هوای میان‌برد و تجهیزات پشتیبانی به ارزش ۳٫۵ میلیارد دلار به عربستان سعودی را تأیید کرده است.

نشست سران در عربستان سعودی، فقط بخشی از سفر ترامپ خواهد بود که تمرکز منطقه‌ای گسترده‌تری دارد و انتظار نمی‌رود او از این سفر به خاورمیانه برای پیشبرد ابتکارات دیپلماتیک جدیدی استفاده کند.

نکته قابل توجه این است که ترامپ در حال حاضر برنامه‌ای برای سفر به اسرائیل در طول این سفر ندارد. مقامات آمریکایی و اسرائیلی گفته‌اند که ترامپ در حال حاضر چیزی برای به دست آوردن از سفر به اسرائیل ندارد، به‌ویژه با توجه به اینکه توافقی برای آزادی گروگان‌ها در غزه و برقراری آتش‌بس قریب‌الوقوع به نظر نمی‌رسد. ترامپ در شرایطی وارد منطقه می‌شود که ایالات متحده در حال مذاکره درباره یک توافق هسته‌ای احتمالی با ایران است. مقامات آمریکایی گفته‌اند که عربستان سعودی، امارات متحده عربی و سایر کشورهای منطقه از توافق هسته‌ای آمریکا و ایران حمایت کرده و مقامات دولت ترامپ را به ادامه تلاش برای دستیابی به آن تشویق کرده‌اند. در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ نیز، اولین سفر خارجی او به عربستان سعودی بود. او در آن سفر در سال ۲۰۱۷، نشستی را در ریاض با حضور رهبران ده‌ها کشور عربی و اسلامی برگزار کرد. همچنین، جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در سفر خود به عربستان سعودی در سال ۲۰۲۲، نشستی را با حضور سران کشورهای حاشیه خلیج فارس، عراق، اردن و مصر برگزار کرده بود.

برگ سبز خودرو سواری سیستم **پراید تیپ جی‌تی ایکس‌ای** رنگ قرمز صدفی - روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۲۰_۳۳۲ ن ۹۸ و شماره موتور ۰۱۰۹۳۹۲۰ و شماره شاسی S1412284471976 به نام **محمد علی امین** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خودرو پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره شاسی NH۸۷۹۰۸۷ شماره پلاک ۹۴۹ن ۶۹ ایران ۴۵ بنام **اسماء میرزایی** در تاریخ ۱۴۰۴/۱/۲۵ به سرقت رفته است. از یابنده تقاضا مندم با این شماره موبایل تماس گرفته شود. ۰۹۱۳۷۳۳۵۴۳۳ و ۰۹۱۳۳۸۷۵۳۶۴